

## سینما مرد از بس که تدبیر ندارد

صفحه ۸

چهارشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۲ | ۲۶ دی‌القهده ۱۴۴۲ | ۷ جولای ۲۰۲۱ | سال سیزدهم | شماره ۲۲۵۲ | صفحه ۸ | ۳۰۰ تومان



## رنجنامه اشغالگری

صفحه ۷



VATAN-E-EMROOZ | VOL.13 | NO.3252 | WED.JUL.07.2021 | ISSN:2008-2886

۱۸۲۲ سال و ۲۵۵ روز گذشت

### تیتراهای امروز

کشف محموله متعلقات تیربار «گرینف» در پایانه غرب تهران

## گرینف؟!



صفحه ۲

ریعی: اقدام خرابکارانه در ساختمان سازمان انرژی اتمی آسیب انسانی و تجهیزاتی نداشت

## صهیونیستها ناکام در کرج

صفحه ۲

اولین گزارش ترغیب ۲ ماهه بودجه ۱۴۰۰ توسط دیوان محاسبات به مجلس ارائه شد

## پیشگیری

## به جای معجزه گیری

صفحه ۲

موردی از ابتلا به سوبه هندی در تهران شناسایی و اعلام شد

## دلتای کرونا

## در پایتخت

۱۵ مرکز استان در وضعیت قرمز کرونا قرار گرفتند

طی ۲۴ ساعت ۱۶ هزار و ۸۰ نفر به کرونا مبتلا شدند و ۱۴۶ بیمار «کووید-۱۹» جان خود را از دست دادند

صفحه ۲

### نگاه

## سردرگمی دولت در مدیریت بحران کرونا



**دکتر زهرا شیخی:** بیش از کرونا و شیوع این بیماری در کشور می گذرد اما هنوز هم دستورالعمل مشخص و

واحدی برای مدیریت این بیماری وجود ندارد گاهی تصمیمات خلق الساعه‌ای در موارد مختلف گرفته شده است مانند بازگشایی مدارس در شهرپورماه سال ۹۹ یا برگزاری کنکور در سال جاری به رغم اعلام خود مسوولان مبنی بر ورود کشور به پیکر موج‌های جدید باشد. مطالعه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد یکی از آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی عدالت اجتماعی بوده است. عدالت‌طلبی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه اول تحت تأثیر اندیشه‌های چپ در حوزه عملکرد دولت، به نوعی سوسیالیسم منتهی شد

۱- با توجه به اینکه با ویروس کامل‌ناشناخته جدیدی مواجه هستیم و به نوعی تمام دنیا با رفتارها و چالش‌های این ویروس مواجه هستیم، ضروری است راهکارهای پیشگیرانه و مسائل بهداشتی را اصل موضوع قرار دهیم، یعنی اگر قرار است در رکن اصلی پیشگیری، ورود کنیم باید سیستم دفاعی بدن فرد متحمل دولت گسترده، فربه و ناکارآمد شده بود. دولت میرحسین موسوی یک دولت کوبنی و سهمیه‌ای محسوب می‌شد. تنها کسی که در آن زمان در مقابل اندیشه سوسیالیستی مقاومت می‌کردند، آیت‌الله خامنه‌ای بودند. اختلاف ایشان در مقام ریاست‌جمهوری با میرحسین موسوی در این بود که نه اقتصاد سوسیالیستی را تأیید می‌کردند و نه اقتصاد لیبرالیستی را قبول داشتند، بلکه معتقد به یک اندیشه میانه در حوزه اقتصاد بودند. امام خامنه‌ای معتقد بودند عدالت با افراط و تفریط در حوزه اقتصاد محقق نخواهد شد. این اختلافات موجب شد در دومین دوره ریاست‌جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، میرحسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر معرفی نشود ولی فشار جریان چپ در مجلس و سایر نهادها و نامنگاری به امام خمینی (ره) موجب بازگشت وی به پست نخست‌وزیری شد. بعد از جنگ تحمیلی، مرکز اندیشه چپ و قلب سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی و رنکسته شد و از هم پاشید. با فروپاشی پایگاه فکری اندیشه چپ، همان آقایان عدالت‌طلب دیروز که طرفدار دولت سوسیالیستی میرحسین موسوی بودند، مثل آقای رفسنجانی یکباره تغییر تئوری دادند و سیاست لیبرالیستی را مبنای مناسبی برای توسعه اقتصادی دانستند. مبنای عدالت‌طلبی سوسیالیستی دیروز، به مبنای آزادی پراگماتیستی آمریکایی در حوزه اقتصاد، فرهنگ و اجتماع تبدیل شد. میرحسین موسوی که از تغییر رویکرد بارن دیروزش مکرر شده بود، در دانشگاه تهران به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: هاشمی ما را به اذنب سرمایه‌داری جهانی تبدیل خواهد کرد. میرحسین موسوی بعد از ۲۰ سال کناره‌گیری دوباره سال ۸۸ به عرصه سیاسی بازگشت، در حالی که معلوم نبود همان عدالت‌طلب سوسیالیست دهه اول انقلاب است یا

در حال حاضر طبق اعلام مسوولان، متأسفانه اکثر شهرهای کشور در وضعیت قرمز کرونا قرار دارند. در این میان شهرهایی که در مناطق کم‌پروردار هستند شرایط بحرانی دارند. دولت باید از یک میلیارد یورویی که از صندوق ذخیره ارزی برداشت کرده و...

ادامه در صفحه ۶

# عذرخواهی می‌کنم

حسن روحانی دیروز از مردم به خاطر قطع برق عذرخواهی کرد اما در عین حال در اظهاراتی **خلاف آمار رسمی** عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم در افزایش ظرفیت تولید برق را بهتر از دولت‌های پیشین دانست!

# عملکرد ما خوب بود

بر اساس آمار بانک مرکزی میزان رشد تولید برق در دولت‌های حسن روحانی کمتر از دولت‌های قبل بوده است

آمار وزارت نیرو درباره میزان افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور:

دولت‌های یازدهم و دوازدهم: **۲۱ درصد**

دولت‌های نهم و دهم: **۶۸ درصد**

دولت‌های هفتم و هشتم: **۶۰ درصد**

دولت‌های پنجم و ششم: **۵۵ درصد**

صفحه ۳

## جریان‌شناسی دولت‌ها در تحقق آرمان عدالت اجتماعی

طرفدار آزادی و لیبرالیسم شده است. طرفداری از وی توسط لیبرال‌ها به خاطر اندیشه‌های نامعلوم او نبود، بلکه آنها قصد داشتند فقط احمدی‌نژاد در صحنه قدرت باقی نماند. هاشمی‌رفسنجانی با شعار آزادی لیبرالیستی در حوزه اقتصاد از جامعه ارزش‌زایی کرد و به معنی واقعی عدالت اجتماعی را قربانی ارزش‌های لیبرالیستی کرد. از درون آن لیبرالیسم، در حوزه اقتصاد فقط اشرافی‌درمی آمد که هاشمی در جامعه شکل داد. الان او به اشرافی‌پاشی امکانات اقتصادی عجیبی داد که الان ثروت همین افراد به هزاران میلیارد می‌رسد و قدرت بزرگی در عرصه سیاسی کشور شده‌اند و با قدرت عظیم رسانه‌ای خود اثر گذاری عجیبی در لایه‌های اجتماعی می‌گذارند و به سوداگری افکار می‌پردازند. قشری که هاشمی شکل داد، با بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی، جمهوری اسلامی را از ارزش تهی کرده و به جایش اشرافی‌ت نشانده که با عوام‌فریبی تلاش دارد باطل را جای حق قرار دهد. فساد در دولت لیبرال‌سازی رسمی‌ت یافت، چرا که توسعه به سبک نئولیبرال فساد را به عنوان بخش از حرکت و تحول در عرصه اقتصاد پذیرفته است. به همین خاطر نئولیبرال‌های وطنی مدافع فساد موجود در سیستم نوظهور اقتصادی بودند و از عملکرد فسادانگیز و غارتگرانه کرباسچی دفاع می‌کردند. مرتضی‌الویری، دبیر وقت شورای عالی مناطق آزاد در دولت اصلاحات هاشمی می‌گوید: «من درباره محتوای پرونده و مستندات آن اطلاعی ندارم اما می‌خواهم بگویم اگر تمام این اتهاماتی که به کرباسچی نسبت می‌دهند درست باشد و حتی این مبالغه را کرباسچی آتش زده باشد یا در جوی آب ریخته باشند، باز کرباسچی شایسته تکریم است، نه بازخواست». (ماهنامه صبح، اردیبهشت ۷۷، شماره ۸۱)



هاشمی‌رفسنجانی در مقابل انتقادات جریان انقلابی و ارزشی جامعه نسبت به اشرافی‌گری، اختلاس و فساد در ادارات و پروژه‌های بزرگ می‌گوید: «باینقدر بحث از اختلاس و دزدی نکنید و روحیه مردم را خراب نکنید. وقتی ما یک سسدی را می‌سازیم و مثلا ۱۰ میلیارد خرج می‌کنیم، ممکن است از قبل آن، ۵۰۰ میلیون هم اختلاس شود اما این سد برای کشور می‌ماند و هیچ‌کس نمی‌تواند از سد، اختلاس یا دزدی کند.» (https://rafsanjani.ir)

باشد دیگر تقوا معنا ندارد. این لیبرالیسم است که جامعه را غیراخلاقی می‌کند و باعث اوج گرفتن فاصله طبقاتی می‌شود. به همین دلیل است که شعار آزادی در ایام انتخابات مشتری پیدا می‌کند. این باعث می‌شود در ادامه شاهد تقابل معیشت با عزت باشیم. در نتیجه عدالت و تقوای فردی از بین می‌رود و عدالت جمعی هم در نهایت زمانی که عدالت فردی از بین برود، از بین می‌رود. وقتی غریزه‌گرایی به وجود می‌آید، چه غریزه اقتصادی، چه جنسی و... باعث می‌شود قشرهای بالا به شدت به فساد اقتصادی مشغول شوند. آنچه امروز در حوزه اقتصاد به صورت بی‌رحمانه‌ای توسط گروهی اندک از میلیاردرهای فاسد در حوزه‌های ارز، طلا، مسکن، خودرو و... اتفاق می‌افتد و موجب فقر شدید اکثریت و ثروت‌اندوزی اقلیت می‌شود، حاصل نگاه نئولیبرال در اقتصاد است. پرداخت حقوق‌های نجومی در دولت روحانی برای بسیاری خیلی معنا دارد. وقتی فساد اقتصادی در قشر بالا رخ می‌دهد، به دنبال فساد جنسی در قشر پایین رخ می‌دهد و فساد عقیدتی در قشر متوسط خود را نشان می‌دهد. متأسفانه ما الان هر ۳ نوع فساد را در جامعه شاهد هستیم؛ ۳ نوع فساد اقتصادی، جنسی و عقیدتی در سه قشر اجتماعی رخ داده است. دولت‌ها طبق قانون، منتخب مردم هستند و قانون هم مسؤلیت‌های کلاهی برای‌شان تعریف کرده است. محورهای سیاست‌های کلان کشور که رهبر حکیم انقلاب با مشورت بخش نخبه کشور و در مجمع تشخیص مصلحت تدوین و ابلاغ می‌کنند، معطوف به رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی و دوری از فساد در توسعه و پیشرفت کشور است. در شرایط کنونی اقتصاد کشور در بحران قرار دارد و این شرایط بحرانی حاصل سیاست‌گذاری غلط اقتصادی دولت است. باید پرسید تعویض دولت چه تأثیری در اقتصاد خواهد داشت؟ آنچه مهم است تغییر رویکرد است و تا این رویکرد لیبرالی بر اندیشه تصمیم‌سازان و مجریان قوه مجریه حاکم است هرگز اتفاق خاصی نخواهد افتاد. دولت جدید اگر در صدد تغییر و تحول به نفع مردم است، باید ریل‌گذاری اقتصادی و دوری از فساد در توسعه و پیشرفت کشور را انجام بدهد. ریل لیبرالیسم در کشور پوسیده، فاسد و ناعالانه است. باید از لیبرالیسم فاصله گرفت. باید «عدالت» بر «توسعه» تقدم داشته باشد. باید فساد به عنوان بنیاد اندیشه لیبرال در همه حوزه‌ها خشکانده شود. فساد دولت آینده برای ایجاد تحول در جامعه با عوامل، عناصر و کارگزاران لیبرال مواجهه سخت و شوم خواهد داشت. نباید در این مواجهه منفعلانه عمل شود. نباید در ظرف ساختارهای لیبرال به برنامه‌ریزی دولتی‌های سازندگی و اصلاحات است. در این دولت از توجه به قشر ثروتمند جامعه، بخش‌های کثیر جامعه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مستضعف‌تر شده‌اند. در این دولت فرصت رانت‌خواری، قاچاق و فساد بیشتر فراهم شد. اجرای سند ۲۰۳۰ و توسعه خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش در دولت فعلی، ادامه سیاست لیبرالی دولتی‌های سازندگی و اصلاحات است. در این دولت از تنها چیزی که صحبت نمی‌شود عدالت اجتماعی است. آن چیزی که در انقلاب اسلامی ما امروز مغفول مانده است مقوله عدالت است. چون در ذهنیت لیبرالیستی‌ای که الان حاکم است، اصل غریزه است. اصل غریزه سبک‌باف‌فکند.

در انتهای دولت هاشمی اگر چه تلاش شد با تغییر قانون اساسی زمینه تسادوم حاکمیت وی و سیاست‌هایش فراهم شود ولی با مقاومت رهبری این کار ناکام ماند. محمد خاتمی که به عنوان وزیر ارشاد دولت سازندگی و مجری سیاست‌های لیبرال فرهنگی شناخته می‌شد و مورد نقد مقام معظم رهبری و افراد انقلابی مثل شهید آیت‌الله محمد باقر فاضل‌نوری و وزیر امور اقبال مردم بود. اصلاح‌طلبان به رغم مخالفت‌ها و دشمنی‌های علنی درصدد نفوذ در اطراف احمدی‌نژاد برآمدند و با حاشیه‌سازی و تغییر رویکرد او در دوره دوم ریاست‌جمهوری، باز سیاست‌های اقتصادی از محور عدالت‌طلبی منحرف شد. احمدی‌نژاد هم شکست خورد، چرا که اشراف نپدید و سوداگر حتی حاضر بودند کشور را به آتش بکشند، چرا که تاوأم سیاست‌های عدالت‌طلبانه دولت‌نهم مخالف ریل‌گذاری لیبرالیستی آنها بود. جریان لیبرال غربگرا حاضر بود حتی کشور تحریم شود، فقط برای اینکه شعار انقلابی‌گری و عدالت‌طلبی نباشد، البته احمدی‌نژاد در کنار جریان قدرتمند لیبرال داخل کشور خودش هم در به شکست کشاندن دولت عدالت‌محور و انقلابی نقش داشت. خصوصیت منفی شخصیتی احمدی‌نژاد، عدم مقاومت در مقابل لیبرال‌ها، برنامه‌ریزی در قالب ساختار لیبرالیستی، فاصله گرفتن از افراد دلسوز و انقلابی، عدم مشاوره با متخصصان حوزه‌های مختلف و سیاست‌های افراطی در حوزه سیاست خارجی و نهادینه‌شدن لیبرالیسم در حوزه اقتصاد به راه خود رفت و فساد ۳۰۰۰ میلیاردی رخ نمود. احمدی‌نژاد رفت و باز دست لیبرال‌ها در کشور باز شد. روحانی با حمایت‌های هاشمی و خاتمی به قدرت رسید. برخی وزرا و رؤسای ناکارآمد و لیبرال دولت‌های سازندگی و اصلاحات در دولت روحانی در رأس قرار گرفتند (جهانگیری، نعمت‌زاده، رنگنه، ابتکار، واعظی، آخوندی، ربیعی، فرهادی، شریعتمداری، نجفی و...) دولت روحانی به معنای واقعی کلمه دولت لیبرال است، چون چشم به اقتصاد جهانی و مذاکره داشته و هنوز هم در واپسین نفس‌هایش چشم از توافق با غرب برنمی‌دارد. برای این دولت همه دستاوردها برجام است و بی‌منتظر سرمایه‌گذاری خارجی بوده و هست. به قابلیت‌های داخلی توجه ندارد. اشرافی و طبقاتی فکر می‌کند. در این دولت به دلیل ادامه سیاست‌های لیبرالی و توجه به قشر ثروتمند جامعه، بخش‌های کثیر جامعه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مستضعف‌تر شده‌اند. در این دولت فرصت رانت‌خواری، قاچاق و فساد بیشتر فراهم شد. اجرای سند ۲۰۳۰ و توسعه خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش در دولت فعلی، ادامه سیاست لیبرالی دولتی‌های سازندگی و اصلاحات است. در این دولت از تنها چیزی که صحبت نمی‌شود عدالت اجتماعی است. آن چیزی که در انقلاب اسلامی ما امروز مغفول مانده است مقوله عدالت است. چون در ذهنیت لیبرالیستی‌ای که الان حاکم است، اصل غریزه است. اصل غریزه سبک‌باف‌فکند.